

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در این بود که قلیل و کثیر در مأكول و مشروب فرقی نمی کند چونکه در ادله ما کتاباً و سنتاً حکم معلق است بر اکل و شرب و همانطوری که اکل و شرب بر مأكول و مشروب کثیر صدق می کند بر قلیل هم صدق می کند بنابراین در بطلان صوم فرقی بین مأكول و مشروب کثیر و قلیل نیست، اما صاحب عروة بعد از اینکه این مطلب را به همین ترتیب ذکر کردند دو چیز را بیان کردند که محل بحث شد، اول اینکه اگر خیاط نخ را از دهانش بعد از اینکه مرطوب کرده خارج کند و سپس دوباره به دهانش برگرداند و آن رطوبت با آب دهان مخلوط شود و آن را بلع کند صاحب عروة می فرماید اشکالی ندارد چونکه آن رطوبتی که از خارج داخل دهان شد در رطوبتی که داخل دهان بود مستهلک شد فلذا اشکالی ندارد، دوم اینکه اگر مسواک را بعد از اینکه در دهانش مرطوب شد بیرون آورد و دوباره به دهانش برگرداند اشکالی ندارد به شرطی که آن رطوبت خارجی در دهانش مستهلک شود بنابراین صاحب عروة دو مورد از استهلاك را به ترتیبی که ذکر شد بیان کردند و فرمودند که به صوم ضرری نمی رساند و اشکالی ندارد.

عمده بحث در استهلاك می باشد و ما باید ببینیم که استهلاك چه معنایی دارد، آیا اگر دو چیز از مایعات با هم مخلوط شدند استهلاك یعنی اینکه یکی از آنها در دیگری فانی شود و دیگر چیزی از آن باقی نماند؟ این معنی را ما نمی توانیم تصور کنیم چونکه هر قدر هم که کم باشد وقتی که مخلوط شود از بین نرفته بلکه وجود دارد منتهی خیلی کم است مثلاً یک در هزار یا یک در میلیون وجود دارد، از این جهت بنده و آیت الله گلیپاگانی در حاشیه عروة داریم که فرقی نمی کند ولو اینکه مستهلک هم شده باشد باز روزه را باطل می کند برای اینکه چیزی از خارج داخل دهان شده و شما هم می گوئید فرقی بین کثیر و قلیل نیست فلذا استثناء شما در این دو صورت که می گوئید اگر مستهلک شود اشکالی ندارد صحیح نیست. ما باید ببینیم معیار در استهلاك

چیست آیا از بین رفتن است؟ که خوب چیزی از بین نرفته چرا که آن مقدار رطوبت ولو قلیلاً هنوز در آن کل باقی است، اگر می خواهید همانطوری که آیت الله خوئی فرموده اند بگوئید که عنوان عوض شده برای اینکه آن چیزی که قورت می دهد به اندازه ای کم است که عرفاً به آن آب دهان می گویند ولو اینکه با دقت عقلیه هنوز آن مقدار باقی است و از بین نرفته، ولی ایشان می فرمایند که ما تابع عنوان هستیم و عنوان این است که این شخص آب دهان خودش را قورت داده و قورت دادن آب دهان به روزه ضرر نمی رساند، بعد آقای خوئی استشهد می کند به دو مورد اول به روایاتی که درباره مسواک زدن داریم که در آنها گفته شده اگر کسی مسواک بزند اشکالی ندارد با اینکه بالاخره وقتی انسان مسواک می زند مسواکش مقداری رطوبت داشته که با همان رطوبتی که از خارج وارد دهانش کرده مسواک می زند و آن رطوبت با آب دهانش مخلوط شده ولی روایت گفته که اشکالی ندارد، دوم اینکه روایت داریم روزه دار می تواند طعم غذا را بچشد خوب وقتی که غذا را می چشد هر چند که سعی می کند چیزی از غذا در دهانش باقی نماند ولی طعم آن در دهانش باقی می ماند و دیروز عرض کردیم که طعم هم مثل رنگ در پارچه از اعراض می باشد و این اعراض قائم به آن جوهر می باشند و انتقال عرض هم محال است برای اینکه عرض چون قائم به جوهر است اگر از این جوهر به جوهر دیگری منتقل شود در لحظه انتقال عرض بدون محل می شود و محال است که عرض بدون جوهر وجود داشته باشد فلذا معلوم است که مقداری از طعام در دهان باقی است که طعمش احساس می شود، خوب در این دو مورد ایشان می فرمایند که شارع مقدس گفته است که اشکالی ندارد فلذا از اینجا معلوم می شود که اگر قلیل شد مستهلک می شود و اشکالی ندارد. در اینجا دو مطلب وجود دارد از نظر ما استهلاك معنی ندارد و چیزی در چیز دیگر فانی نمی شود و از بین نمی رود اما اگر می خواهید بفهمید که شارع مقدس ارفاق کرده و اجازه داده مستدلاً به آن ادله مسواک و چشیدن طعم غذا بله این درست است، پس در اینجا دو مطلب وجود دارند که نباید با هم خلط شوند یک مطلب این است که

نابود نشده و استهلاک به معنای نابودی نیست و حالا می خواهیم ببینیم که آیا مبطل هست یا نه ، در باب ۳۷ از ابواب ما یمسک عنه الصائم روایات زیادی داریم که در آنها آمده است که روزه دار می تواند غذا را بجشد و حتی روزه دار می تواند نان را در دهانش خورد کند و جلوی جوجه بریزد تا بخورد منتهی باید سعی کند که چیزی پایین نرود ، حالا یک خبر از این باب را می خوانیم ، خبر ۷ از باب ۳۷ از ابواب ما یمسک عنه الصائم که در ص ۷۵ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است این است : « محمد بن محمد المفید فی المقنعة قال : قال (ع) : لا بأس أن یذوق الطباخ المرق ليعرف حلو الشيء من حامضه و یزق الفرخ و یمضغ للصبي الخبز بعد أن لا یبلع من ذلك شيئاً ، و یبصق إذا فعل ذلك مرارا أدناها ثلاث مرات و یجتهد» . در این طور جاها معلوم است که طعم آن غذا در دهان می ماند و ماندن طعم هم دلیل بر وجود ذراتی از غذا می باشد چون که انتقال عرض محال است ، این یک موردی بود که خواندیم .

بعد آقای خوئی استشهد می کند به بحث استنشاق و مضمضه که روایات زیادی در این رابطه در باب ۲۳ از ابواب ما یمسک عنه الصائم ذکر شده و در آنها آمده است که اگر در مضمضه و استنشاق عمداً آب پایین برود روزه اش باطل است و باید سعی کند که پایین نرود البته در روایت آمده است که اگر مقدار کمی باشد اشکالی ندارد . اما باب دیگری که مورد استشهد آقای خوئی است باب ۲۸ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد که درباره مسواک زدن است و در روایات این باب آمده است که اگر کسی مسواک کرد و مسواک را از دهانش بیرون آورد و دوباره به دهانش برگرداند سعی کند که آب را بیرون بریزد اگر چه بالاخره مقداری باقی می ماند .

اگر ما از این روایات فهمیدیم که آن مقدار کمی که می ماند اشکال و ضرری نمی رساند در ما نحن فیه هم همین را می گوئیم و إلا در استهلاک چیزی از بین نرفته و رطوبتی که از نخ وارد دهان شما شده هر قدر که قلیل باشد باز با آب دهان شما

استهلاک به معنی معدوم شدن چیزی در چیز دیگر است که لامعنی له ، و مطلب دیگر اینکه اگر می خواهید بگوئید اینجا اشکالی ندارد قیاساً و استنباطاً به بحث مسواک کردن و طعم چشیدن که خوب باید برویم سراغ آنها و بگوئیم شارع در آنجا تا حدی ارفاق کرده آیا این ارفاق شارع در باب مسواک و چشیدن غذا اقتضا می کند در آب دهان هم بگوئیم اشکالی ندارد یا اینکه اقتضا نمی کند . آیت الله خوئی اعلی الله مقامه یک بحثی دارند که در آن می فرمایند اگر یک قطره از آب غصبی در آب کری که متعلق به شماس است بیفتد نباید به آن اعتنایی کنید و می توانید وضو بگیرید برای اینکه آن یک قطره آب غصبی در جنب یک کر ناچیز است و مستهلک شده ولی ما عرض می کنیم که چیزی از بین نرفته ولو اینکه کم باشد و شما با آن آب وضو می گیرید چونکه تمام آن آب محل ابتلاء شما نیست فلذا شبهه غیر محصوره می شود به این معنی که آنقدر احتمال وجود آن یک قطره در وضوی شما کم است و ضعیف است که عقلاء به آن احتمال اعتنا نمی کنند ، گاهی از اوقات یک چیزی در کنار چیز دیگر از جهت اینکه خیلی کم است و دیگری خیلی زیاد است احتمالش بسیار بسیار ضعیف می شود مثلاً فرض کنید که اگر یک کاسه زهر در میان دو کاسه یا سه یا ده و یا ۵۰ کاسه باشد شما از آنها نمی خورید چونکه احتمال دارد یکی از آنها زهر باشد ولی وقتی در میان یک میلیون کاسه باشد می خورید و حال آنکه در موقعی که دو کاسه بود زهر در میان بود و حالا هم که یک میلیون کاسه وجود دارد باز هم زهر در میان است ، ولی چون احتمال رفته رفته ضعیف می شود یعنی هر قدر اطراف شبهه بیشتر باشد احتمال ضعیف تر می شود و گاهی به حدی می رسد که عقلاء دیگر به آن احتمال اعتنا نمی کنند منتهی نه از این جهت که معدوم شده چرا که در واقع معدوم نشده بلکه از این جهت که احتمالش ضعیف شده به آن اعتنا نمی کنند ، پس اطراف شبهه به قدری زیاد است که تمامش محل ابتلاء شما نیست فلذا علم اجمالی در اینجا منجز نیست و وضو هم می توانید بگیرید . بالاخره عرض بنده در حاشیه ای که در اینجا دارم این است که رطوبتی که در آن نخ و مسواک بوده و از خارج وارد دهان شده

یکی دانسته اند و گفته اند که اگر احتمال بدهد لازم نیست ولی ما می گوئیم فرق می کند ، پس اگر دندانها طوری مرتب است که احتمال ماندن غذا لای آنها خیلی ضعیف است بله در این صورت خلل واجب نیست ولی اگر احتمال قوی و عقلائی وجود دارد که اگر خلل نکند غذا باقی می ماند نمی توانیم بگوئیم که خلل واجب نیست .

صاحب عروۃ در آخر مسئله صورت سوم را مطرح می کند و می فرماید که اگر بداند ترک خلل کردن مودی به این می شود که بقایای آن طعام در لای دندانها بماند و امکان دارد که فردا آن را فرو ببرد در این صورت واجب علیه الخلال و اگر خلل نکرد صومش باطل است علی فرض الدخول ، دقت کنید که در اینجا (علی فرض الدخول) حرف زیاد است . اگر بداند که اگر خلل نکند باقی می ماند این یک تفریط و تقصیری از شخص می باشد برای اینکه این شخص وظیفه دارد که از خوردن و آشامیدن از سحر تا مغرب امساک کند و وقتی که بداند اگر خلل نکند چیزی در لای دندانها باقی خواهد ماند که فردا آن را فرو خواهد برد خوب معلوم است که این با قصد روزه منافات دارد چونکه می داند در این چند ساعت ترک اکل و شرب نشده و امساک هم نشده بنابراین علم به اینکه اگر در دهان باقی بماند فردا ظاهر خواهد شد و آن را فرو خواهد برد با معنی صوم منافات دارد و نمی سازد چراکه صوم آن است که از سحر تا مغرب قلیلاً یا کثیراً امساک کند . بحث دیگر آن است که اگر صومش باطل است آیا هم قضا و هم کفاره دارد یا فقط قضا دارد؟ که در اینجا چونکه عمداً این کار را انجام داده هم قضا دارد و هم کفاره دارد.....

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً وصلى الله على

محمد وآله الطاهرين

مخلوط است و اگر آن را قورت بدهید بالاخره مقداری از آب خارج را قورت داده اید ، فلذا ما در حاشیه عروۃ داریم که استهلاک در اینجا موثر نیست اگر هم این کار را بکند نباید چیزی را قورت بدهد تا یقین پیدا کند که چیزی باقی نمانده ، پس اینکه آیا می توانیم حکم این دو مورد را به دو موردی که در عروۃ درباره استهلاک بیان شده بود سرایت بدهیم یا اینکه بگوئیم قیاس این دو مورد با آن دو مورد که در عروۃ آمده درست نیست این دیگر بستگی به استنباط شما دارد عزیزان دارد . خوب حالا می رویم سراغ مسائلی که درباره اکل و شرب وجود دارد (مسئله ۱) : لا یجب التخلیل بعد الاکل لمن یرید الصوم و إن احتمل أن ترکه یودی الی دخول البقایا بین الاسنان فی حلقه ، و لا یبطل صومه لو دخل بعد ذلک سهوا ، نعم لو علم أن ترکه یودی الی ذلک وجب علیه و بطل صومه علی فرض الدخول .

واجب نیست کسی که می خواهد روزه بگیرد بعد از خوردن سحری خلل کند ، ولی باید توجه داشته باشیم که مسئله به چند صورت تصور می شود ، اول اینکه احتمال می دهد که اگر خلل نکند چیزی باقی بماند و فردا ممکن است که آن را قورت بدهد که در اینجا خلل واجب نیست و دوم اینکه احتمال نمی دهد چیزی باقی بماند که فردا فرو برود و اصلاً علم دارد که چیزی باقی نمی ماند که در اینجا هم خلل واجب نیست و سوم اینکه اگر بداند که اگر خلل نکند در لابلای دندانها چیزی می ماند و فردا فرو می رود واجب است که خلل کند پس سه صورت شد که بیان کردیم . در صورت اول ایشان فرمودند که اگر کسی احتمال داد که اگر خلل نکند در لای دندانها چیزی می ماند که فردا ممکن است آن را قورت بدهد واجب نیست خلل کند ، آیا ما باز هم به طور مطلق باید این را قبول کنیم یا نه ؟ البته باید توجه داشته باشیم که اشخاص متفاوتند و دندانها هم متفاوت می باشند بعضی ها به قدری دندانهایشان مرتب و پاکیزه است که اصلاً چیزی لای آنها نمی رود ولی در لای دندانهای بعضی ها آنقدر خلل و حفره وجود دارد که غذا لای آنها می ماند پس نمی توانیم بگوئیم که همه با هم یکی هستند ، ایشان همه را